

روزنامه شرق

فرهنگ ایرانی

- ۱۰ صفحه } بررسی اهداف آموزشی در پژوهشگاه‌ها
- ۱۰ صفحه } پژوهش را باید در کنار استادان و محققان برجسته آموخت
- ۱۲ صفحه } قدرت نفوذ کلام در بین اقشار مختلف مردم

گزارش خارجی

کدام ایالت آمریکا دوشغله بیشتری دارد

فعالیت در بیش از یک شغل در بسیاری از ساختارهای اقتصادی دنیا دیده می‌شود. دو یا چند شغله‌ها به افرادی اطلاق می‌شود که در هفته در حال فعالیت در بیش از یک شغل باشند. عوامل متعددی در چندشغله‌بودن افراد مؤثر است که به نظر می‌رسد ناکافی بودن دستمزدها در شغل اول باعث تأمین نیازها و خواسته‌ها از مهم‌ترین این دلایل است. هرچند در مناطقی که مشاغل فصلی مانند کشاورزی رواج دارد احتمال مشاهده شغله‌ها بیشتر است. در سال ۲۰۱۲ از حدود پنج درصد از شهروندان آمریکایی علاوه بر شغل اول به کار در شغل دوم مشغول بودند. در میان ایالت‌های مختلف آمریکا شهروندان داکوتای شمالی بیش از میان شهروندان آمریکایی دوشغله بودند. ۹.۵ درصد شاغلان در این ایالت همزمان در دو شغل مختلف مشغول به کار بودند. این درصد به‌طور تقریبی دو برابر میزان متوسط دوشغله‌ها در کل ایالات متحده آمریکا است. در حالی‌که ایالتی که میزان دوشغله‌ها بالاست میزان بیکاری نیز کمتر مشاهده می‌شود.

در ۱۰ ایالت آمریکا بالاترین میزان فعالیت در دو شغل دیده می‌شود؛ درحالی‌که نرخ ملی بیکاری در آمریکا در سال ۲۰۱۲، در حدود ۸٫۱ درصد بوده است، در این ۱۰ ایالت این نرخ حوالی شش درصد گزارش شده است.

ایالت‌هایی که در آنها بیشترین تعداد شهروندان با دو شغل یا بیشتر گزارش شده عبارتند از: اورمونت، داکوتای شمالی و نبراسکا. در سال ۲۰۱۲ این ایالت‌ها با کمترین میزان بیکاری مواجه بوده‌اند. از آنجا که رابطه‌ای معنادار میان چندشغله‌بودن و بیکاری در ایالت‌های مختلف آمریکا وجود دارد، دفتر آمار کار آمریکا گزارش داده است که در ایالت‌هایی که ساده‌تری می‌توان مشاغل دوم و سوم به دست آورد، به مراتب تعداد بیکاران کمتر است و این بدان معناست که شغل نخست رانیز در این مناطق ساده‌تری می‌توان داشت. هرچند در این گزارش تاکید شده است که موارد استثنایی نیز در این زمینه وجود دارد.



براساس این گزارش زنان بیش از مردان تمایلی به داشتن دو یا چند شغل در یک زمان دارند. این احتمالاً یکی از دلایلی است که ۱۰ ایالت کنایه تعداد شاغلان در چند شغل بیشتر است. نرخ مشارکت زنان در بازار کار در ایالت‌های داکوتای شمالی، ورمونت و نیو اسکسا از میانگین مشارکت زنان در بازار کار در کل ایالات متحده آمریکا بیشتر گزارش شده است. این نرخ، ۵۷٫۲ درصد بوده است. در سال ۲۰۱۲، درصد مشارکت زنان در بازار کار، ۶۷٫۲ درصد گزارش شده است؛ در مقابل در ایالت فلوریدا زنان کمتر از دیگر ایالت‌های آمریکا به کار مشغول بوده‌اند.

مورد جالبی که در گزارش سال ۲۰۱۲ آمده آن است که افرادی که دارای مدارک تحصیلی بالاتری هستند تمایل بیشتری به داشتن دو یا چند شغل به صورت همزمان دارند. در تمام ۱۰ ایالتی که بیشترین تعداد چندشغله‌ها را در ایالات متحده آمریکا داشته، میزان مدارک دانشگاهی از میانگین کل ایالت‌ها بالاتر بوده است.

اما بخشی از چندشغله‌بودن بابت اشتغال در کارهای پروژه‌ای و مشاغل فصلی است. براین اساس چندشغله‌بودن در ایالت‌های مختلف رابطه معناداری با بخش کشاورزی دارد. کشاورزان به‌طور معمول در فصل‌هایی که کار کشاورزی تعطیل است اقدام به فعالیت در مشاغل دیگری می‌کنند. در سال ۲۰۱۲، ۸۶٪ در چندشغله‌بودن داکوتای شمالی در بخش کشاورزی مشغول به کار بودند. این بالاترین میزان اشتغال به کشاورزی در میان ایالت‌های مختلف آمریکا بوده است. این است که در هیچ‌یک از ایالت‌های دیگر آمریکا به اندازه داکوتای شمالی دوشغله مشاهده نشده است. بنابراین در ایالت‌های مونتانا، نبراسکا و داکوتای شمالی اشتغال در بخش کشاورزی و دوشغله‌بودن دارای ارتباط معناداری است. از دیگر شاخص‌های مهم و تأثیرگذار در انتخاب شغل دوم میزان دستمزدخاص است. اگر شاغلان در شغل اول به اندازه کافی درآمد نداشته باشند، تمایل بیشتری به گرفتن شغل دوم دارند. در هیچ‌یک از ایالت‌هایی که در آنها میزان دوشغله‌ها بیشتر از دیگری ایالت‌ها بوده، دستمزدها از میانگین دستمزدها در کل ایالات متحده کمتر بیشتر نبوده است. در برخی موارد میزان دستمزدها حتی آمریکا گزارش شده است. درواقع باید گفت که ایالت‌های داکوتای شمالی، مونتانا و مین دارای کمترین میزان دستمزدها در کل ایالت متحده آمریکا بودند.

منبع: یواس‌ای تودی



عکس: امیر جدیدی، شرق

کرده به مراقبت‌های بهداشتی نیازمند شود. این یعنی احتمالاً هرچه در کار به‌دست آورده باید صرف برگرداندن سلامت‌اش شود. در نهایت و در نگاه کلان او چیزی به‌دست نیاورده است. جامعه‌ای که بخش قابل‌توجهی از افراد آن چنین وضعیتی دارند را چگونه می‌بینید؟

اجازه دهید مسئله را این گونه بررسی کنیم؛ جوامع فعلی از جمله جامعه ایران در عصر جهانی شدن، ساخت جامعه مصرفی به خود گرفته‌اند. بنابراین اگر در گذشته افراد جامعه هویت خودشان را از قوم و نژاد و طبقه اجتماعی و خرده فرهنگ‌ها می‌گرفتند، اینک از مصرف و سبک زندگی مصرفی هم می‌گیرند؛ به عبارت دیگری یک بازیگانه‌ای جامعه مصرفی نفوذ فرهنگ مصرفی است؛ یعنی افراد جهان بینی و هویت خود را از طریق مصرفی تعریف می‌کنند. هنگامی که تحریم اتفاق افتاد، دسترسی ایران به بسیاری از کالاها فراهم نبود، این هم در سطح کلان و هم در سطح خرد رخ داد. درحال حاضر بیش از اینکه ارزش یک کالا در مبادله باشد، در بیرون از بازار نیز بابت ایجاد هویت و شکل‌دادن به سبک زندگی اهمیت دارد؛ یعنی ارزش مصرفی در این جامعه‌ای مصرف‌نکردن زندگی بهران هویت و نمی‌توان از آن جدا کرد. مفهوم فئات راضی کرد. ما در جامعه‌ای هستیم که نوع هم کالایی از طریق مایهواره و شبکه‌های اجتماعی نشان داده می‌شود و ابژه انباشت کالا همه‌جا هست؛ درحالی که نمی‌توانند به راحتی مصرف کنند. فردی که در این جامعه زندگی می‌کند چه متعلق به طبقه کارگر و چه متوسط باشد، احساسی که در اثر تورم و رکود اقتصادی پیدا می‌کند، فقر مضاعف است. در سال‌های آینده این موضوع دشوارتر می‌شود. نمی‌توان به فردی که همه چیز را می‌بیند بدون آنکه قناعت کند. در جامعه جدید، جامعه پیچیده‌ای شده است، تقسیم کار در آن شدیدتر است. در چنین جامعه‌ای حرفه‌ای نقش بالتری می‌گیرد. در بازار کار اتفاقا دو دسته هستند که فقر مضاعف را تجربه می‌کنند: یک دسته طبقات پایین درآمدی و یک دسته حرفه‌ای‌هایی که سرمایه فرهنگی بالایی دارند و سرمایه اقتصادی پایینی. بدترین شرایط یک جامعه هنگامی است که می‌تواند سرمایه فرهنگی تولید کند؛ اما نمی‌تواند این سرمایه را به سرمایه اقتصادی تبدیل کند. این یکی از شکلاتی‌های است که در جامعه ما به چشم می‌خورد و خداید مهاجران و قرار مغزها به ناشی از همین است. امکان دارد با کاهش درآمدهای نفتی بخشی از یارانه‌هایی که دولت به بخش بهداشت می‌داد،

مالی مجبور به این انتخاب می‌شود. البته اگر در تابع مطلوبیت فرد نگاه کنیم، فرد بین شغل دوم و فراغت باید یکی را انتخاب کند. اگر مطلوبیت او فراغت و لوکس باشد، امکان اینکه دست به انتخاب شغل دوم بزند، بالاست؛ اما اگر فراغت پستی انتخاب کند احساس نیاز کمتری می‌کند؛ چون شغل اول زندگی معمولاً باید معیشت فرد را تأمین کند.

شما فرض را بر این گذاشته‌اید که شغل تخصص معیشت را تأمین می‌کند و افراد برای اینکه فراغت با کیفیت‌تری داشته باشند شغل دوم می‌گیرند. ولی در میان بخش قابل توجهی از افراد جامعه، شغل اول نیازهای اساسی معیشتی را تأمین نمی‌کند که ما مجبور به تأمین خواسته‌ها (چه لوکس و چه غیرلوکس) بگردیم و در واقع شغل دوم برای تأمین نیاز است.

درست است؛ آنچه گفته شد از ابعاد اقتصاد نظری مطرح است و در شرایط بازار کار ایران فعلا صدق نمی‌کند. در جامعه ایران ما روزبه‌روز افرادی داریم که با وجود اینکه شغل اول دارند و این شغل به خاطر ساختن بازار کار دولتی ایران که از شاغل حمایت می‌کند امنیت دارد اما هنوز نیازمند شغل دوم هستند چون سطح تورم بسیار بالاتر از افزایش حقوق و دستمزد است. این‌طور می‌شود این را با تعریف دیگر که شغل داشتن برخلاف کشورهای غربی که شغل را یک عامل رفاه می‌دانند، در ایران لزوماً عامل رفاه نیست و فردی که در بخش دولتی است (ساختار اصلی بازار کار ایران دولتی است)، نمی‌تواند نیازهای معیشتی را تأمین کند و در نتیجه کار به شغل دوم می‌کشد. در غرب انتظاف‌پذیری بازار کار از شغل‌های کوچک و موقعی ایجاد می‌کند و این نه برای تأمین نیازها بلکه برای تأمین خواسته‌ها به کار گرفته می‌شود. در ایران اما قضیه برعکس است؛ یعنی ما با گروهی روبه‌رو هستیم که نه تنها محدودیت‌های مالی دارند بلکه شغل دوم هم کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد؛ پس انتخاب بین فراغت نیست و فراغت لوکس نیست. این تأثیر زیادی روی کارایی سازمان‌های اداری دارد. شما هنگامی که به سازمان‌های اداری نگاه می‌کنید، یکی از عواملی که موجب می‌شود کارایی چندانی در این نظام وجود نداشته باشد، کم‌بودن دستمزد است به‌ویژه در شرایط اقتصادی و البته در این‌ها به‌ویژه با کاهش درآمدهای نفتی. این شرایط و کارایی نظام اداری دولتی بدتر خواهد شد.

❧ در چنین شرایطی که تورم بیشتر می‌شود به طور معمول دولت‌ها چه سیاست‌هایی در پیش می‌گیرند؟

در سال‌های اخیر از کارگران تا کارمندان میزان دستمزد‌ها زیر تورم بوده است. سیاست‌هایی که در چنین شرایطی به کار گرفته می‌شوند، سیاست‌های تأمین اجتماعی است که انواع مختلفی دارد و به طور عمده از طریق ایجاد رفاه فعلی صورت می‌گیرد. برخی از اقداماتی که در این سیاست‌ها انجام می‌شود عبارتند از دادن کمک‌های جنسی به کارگران و کارمندان یا مثلاً حق سرویس ایاب و ذهاب و کارت‌های مختلف رفاهی که بسته به نیازهاست. هم‌اگر این موارد مفهومی به‌نام نیازهای دست‌سوری داریم؛ یعنی متخصصان سیاست‌گذاران در این موارد باید تصمیم‌گیری‌های زیادی متمرکز است و برای تأمین اقدامات باید متمرکز و هدفمند باشند و تلاش کنند با بسته‌های رفاهی نیازهای رفاهی فرد حفظ شود.



به‌طور معمول فرد به لحاظ محدودیت‌های مالی مجبور به این انتخاب می‌شود. البته اگر در تابع مطلوبیت فرد نگاه کنیم فرد بین شغل دوم و فراغت باید یکی را انتخاب کند. اگر مطلوبیت او فراغت لوکس باشد، امکان اینکه دست به انتخاب شغل دوم بزند، اجتناب‌ناپذیر است اما اگر فراغت پستی انتخاب کند احساس نیاز کمتری می‌کند؛ چون شغل اول زندگی معمولاً باید معیشت را تأمین کند



🔹 شما روی کارمندان دولت تأکید می‌کنید. بخش قابل توجهی از شاغلان در بخش خصوصی به کار مشغولند و به طور معمول اگر چنین سیاست‌هایی تعریف شود هم، چنین بسته‌هایی دریافت نمی‌کنند.

هنگامی که درآمدهای نفتی کاهش می‌یابد به یک طرح تأمین اجتماعی همدفیند نیاز است؛ چون عموماً در چنین شرایطی گروه‌هایی تحت فشار قرار می‌گیرند که در دهک‌های پایین قرار دارند. نظام تأمین اجتماعی ما نظامی یک‌پارچه تبعیض است؛ مثلاً به بارانه نقدی نگاه کنید تقریباً ۹۰ درصد جمعیت یک‌پارچه مبلغ دریافت می‌کند، در صورتی که در موقع نوسانات قیمت نفت هرگز طبقات مختلف به یک نسبت تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند، بنابراین این نگرش پاشنه آشیل دولت‌هاست. اینجاست که هنگام انتخابات کسانی که توانسته‌اند هدف را روی مسائل رفاهی مردم بگذارند، رای بیشتری می‌آورند. این امر نشان می‌دهد مسئله در نظر مردم مهم است ولی در نهایت دولت‌ها به این مسئله نمی‌پردازند. در حال حاضر که دو سال از عمر دولت روحانی می‌گذرد، هیچ طرحی برای شناسایی اقشار آسیب‌پذیر در دست نیست. این روح عجبی است. مثلاً نگاه کنید به کشورهای دیگر، در دوره رکود اقتصادی در ۱۹۲۰ در انگلستان محققانی چون نائسنده‌ن‌مور شدند که گروه‌های آسیب‌پذیر را شناسایی می‌کردند. این کار در یک طرح جامع انجام شد و براساس آن طرح رفاهی منسجمی تدوین شد که ضمن آزمون وسیع مالی از افراد براساس ویژگی آسیب‌پذیری‌شان حمایت کردند. وزارت رفاه ما به این مسئله توجه نمی‌کند و حتی تحقیقی هم در این مورد صورت نگرفته است. البته علت این نوع طرح‌های اجتماعی فرایکر به بودن تبعیض به ساخت درآمدهای دولت که بیشتر به نفت متمرکز است تا به مالیات، برمی‌گردد. در ساخت دولت رانتی همه احساس می‌کنند درآمدهای دولت حششان است. دولت بین آنها تمایز قائل نمی‌شود، سیاست‌ها پوپولیستی می‌شود و رفتار دولت با همه یکسان است.

اینکه کارکردن در چند شیفت موجب می‌شود فرد به نیازهایی مانند نیازهای بهداشتی و تفریحی و استراحت کمتر رسیدگی کند ممکن است در آینده موجب شود او بیش از فردی که در شیفت‌های کمتری کار

[illegible]

❖ به نظر می‌رسد به‌ویژه در سال‌های اخیر، مردم تاجرانند برای تأمین هزینه‌های زندگی، در شیفت‌های متعددی کار کنند. این روند از چه زمانی آغاز شده و با توجه به پایین آمدن درآمدهای نفتی، برآورد شما از آینده این وضعیت چگونه است؟

مسئله دوشغله‌بودن مختص ایران نیست و در همه ساختارهای اقتصادی دنیا وجود دارد. دوشغله‌بودن، جنبه‌های مختلفی دارد. باید بگوییم این پدیده به بازار کار بستگی دارد. گاهی این بازار بسیار انعطاف‌پذیر است و ممکن است شغل‌های موقتی را ایجاد کند و البته طبیعی است که افرادی متقاضی آن می‌باشند و شغل دوم در موقت متقاضیان این مشاغل چه کسانی هستند. هنگامی که شغل دوم حرف می‌زنیم، باید بدانیم که انگیزه‌ها و عواملی که در انتخاب شغل دوم مؤثر است، با شغل اول متفاوت است. نتیجه مطالعاتی که در ایران انجام شده است، نشان می‌دهد حدود ۷۰ درصد شاغلان در شغل دوم، بیش از چهار ساعت کار می‌کنند. این یعنی ۳۰ درصد افرادی که شغل دوم دارند، ممکن است کمتر از چهار ساعت در روز، در این شغل فعالیت داشته باشند. نکته‌ای که وجود دارد این است که وقتی می‌گوییم شغل دوم، در ظاهر به نظر می‌رسد که انتخاب آن فقط ناشی از وضعیت درآمدی است. البته این درست است و یکی از عواملی که در انتخاب شغل دوم ازسوی افراد مؤثر است، محدودیت‌های مالی شغل اول است اما این تمام دلیل نیست. دوشغله‌بودن در میان حرفه‌ای‌ها نیز وجود دارد و انگیزه‌ها در این باره متفاوت است. درواقع، لزوماً شغل دوم به‌تنهایی دلیل کمبودن درآمد یا وضعیت بد اقتصادی فرد نیست. مطالعات دیگری در ایران انجام شده است که نتایج آن حاکی از آن است که در بازه زمانی سال‌های ۷۰ تا ۸۰ و بعد از آن امروز، چیزی در حدود ۱۷ درصد نیروی کار در شغل دوم مشغول بوده است. درحال حاضر، این رقم افزایش یافته و در حدود ۲۴ تا ۲۵ درصد نیروی کار در شغل دوم مشغول هستند؛ اما عواملی که در انتخاب شغل اول دخیل‌اند از سن، جنس، میزان تحصیلات، تاهل و جنسیت، اما در شغل دوم، درآمد و سن بیشتر مؤثرند. درواقع، هرچه سن بالاتر می‌رود، نیاز به شغل دوم بیشتر می‌شود. درباره درآمد هم واضح است که محدودیت‌های درآمدی، یکی از عوامل مؤثر در انتخاب شغل دوم است، جنسیت، از این جهت مؤثر است که در ایران به‌طورمعمول، مردان نان‌آور خانه هستند (هرچند در سال‌های اخیر و با مستقل‌تر شدن زنان، شغل دوم در میان زنانی که خود مسئولیت تأمین معاش خود را به عهده دارند، نیز دیده می‌شود)؛ اما مورد دیگری که کمتر به آن توجه می‌شود، آن است که حرفه‌ای‌ها معمولاً در ساختار بازار کار ایران دوشغله‌اند.

❖ افراد در بازار کار چگونه شغل دوم را پیدا می‌کنند؟

نکته مهمی که وجود دارد و باید به آن توجه کرد، آن است که به‌طور معمول مجموعه روابط و پیوندهای ضعیف و قوی اجتماعی که در انتخاب شغل مؤثر است، روی انتخاب شغل دوم هم تأثیر می‌گذارد. پیوندهای قوی، معمولاً به پیوندهای خانوادگی اشاره دارد و پیوندهای ضعیف، به روابط دوستانه و آشنایی، می‌شود که چون این شبکه‌های روابط اجتماعی و پیوندهای ضعیف در کشورهای سستی مانند ایران قوی‌تر است، شغل دوم هم در دست‌رسان‌تر می‌شود. تحقیقاتی که انجام شده است، نشان می‌دهد که در شغل اول تاهل، سن و تحصیلات مؤثر است و در پیدا کردن شغل دوم، بیشتر تعداد فرزندان و هزینه خانوار و محدودیت‌های مالی نقش دارند. تحقیقات دیگری هم نشان می‌دهد که سن در انتخاب شغل دوم مؤثر است، اما چرا؟ این بیشتر به بسترسازی بازار کار ایران است. بازار کار یک عرضه دارد و یک تقاضا. در بخش عرضه بازار کار ایران، بخش دولتی با عمومی بیش از همه شغل عرضه می‌کند. و برای شغل نخست افراد بهترین انتخاب است. این بخش در سال‌های اخیر، با عرضه کم روبه‌روست. افراد در این بخش، امنیت شغلی بالا و دستمزد پایین می‌گیرند و حوالی ۵۰ سالگی نیز بازنشسته می‌شوند. این بازنشستگان - اگر بازنشستگی را بازتعریف کنیم و شغل دوم را در حدود چهار ساعت بدانیم - معمولاً شغل دوم دارند و این البته هم به سن پایین بازنشستگی یعنی توانایی کار کردن برمی‌گردد و هم به درآمد خانوار.

➤ به نظر می‌رسد این پدیده در حال گسترش است؛ یعنی کارکردن

افراد بعد از بازنشستگی. این طور نیست؟

علت کار کردن برخی بانزئسته‌ها، تا حد زیادی به آمد برمی‌گردد. اولاً ساخت خانواده سنتی ایرانی هنوز پابرجاست؛ یعنی حمایت والدین از فرزندان به‌ویژه پس‌پسران و به افزایش شان به خانواده مخارج آنها؛ و حتی مخارج تحصیل را می‌پردازد؛ به‌طوری‌که بانزئستان به فقر خانواده منجر شده‌اند؛ و چون خانواده فرزند را از خود نمی‌داند، بی‌کاری‌اش روی دوش والدین افتاده است. به‌علاوه درآمد بانزئستان با تورم هیچ نسبتی ندارد و چاره‌ای جز کار کردن برایشان نمی‌ماند. البته دلایل دیگری هم مانند جست‌وجوی هویت گم‌شده کاری‌شان در اثر بانزئستیک، وجود دارد که حتی با شغل دوم هم قابل تأمین‌نیایی نیست. به‌ظرف نظام تأمین اجتماعی در ایران اگر فکر جدی به حال بانزئستان‌ها نکنند، خانواده ایرانی آسیب می‌بیند.

❧ شغل دومی که شما تعریف می‌کنید به طور معمول انتخابی است و مردم لزوماً ناچار به انتخاب آن نیستند، بنابراین می‌توانیم بگوییم ناچار نیستند زمان بسیار زیادی هم در آن شغل سپری کنند که روی باقی زندگی‌شان تأثیر ویژه‌ای بگذارد؟

این یک انتخاب است، ولی به طور معمول فرد به لحاظ محدودیت‌های